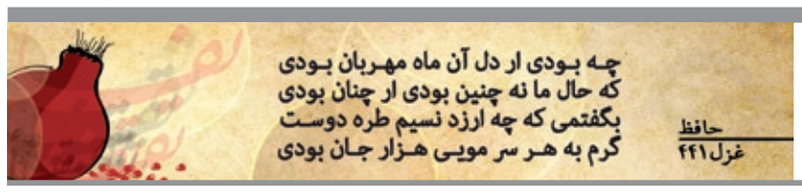

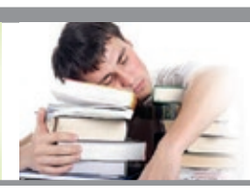

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:
کسی که بر اثر خستگی از کار و تلاش
به خواب رود آمرزیده شده است
الامالی صدوق، ص۲۸۹

▪ در محضر بزرگان ▪

به یاد خدا باش، تا خدا به یادت باشد

علامه طباطبایی درباره اهمیت یاد خدا نکته‌ای جالب گفته‌اند:
به یاد خدا باش تا خدا به یادت باشد! اگر خدا به یاد انسان بود، از جهل نجات پیدا می‌کند. اگر در کاری مانده است؛ اگر خدای قدیر به یاد انسان بود، هرگز انسان عاجز نمی‌شود و نمی‌ماند و اگر در مشکلات اخلاقی گیر کرد، خدایی که دارای اسماء حسنی است و متصف به صفات عالیه، البته به یاد انسان خواهد بود؛ گره اخلاقی را هم می‌گشاید و انسان را از آن مشکل رهایی می‌بخشد. برگرفته از کتاب «حکمت زلال»

▪ داستان‌های واقعی ▪

حاج همت و کمک به بچه‌های جبهه

نبردندمان عملیات. گفتند: «تازه از آموزش آمده‌اید. باشد عملیات بعدی.» بقیه گردان‌ها رفته بودند خط. یک نفر آمد به خطمان کرد بردمان زاغه مهمات که مهمات بار بزنیم. خودش هم نایستاد نگاه کند. آستین بالا زد و آمد کمک بچه‌ها. آن شب سه تا کانتینر مهمات بار زدیم و اصلا نفهمیدم او کی می‌تواند باشد. حتی باهاش دعوا هم کردیم که چرا ما را آورده آنجا و ازما حمالی می‌کشد. بعد گردان ما با گردان عملیاتی ادغام شد و رفتیم مقر تیپ. مراسمی آنجا بود. نوحه‌خوانی و این که «معاون تیپ می‌خواهد سخنرانی کند.» کسی که رفت پشت تریبون همانی بود که باش مهمات بار زدیم و ازش طلبکاری کردیم. او حاج همت بود.
برگرفته از کتاب «به مجنون گفتم زنده بمان»

▪ فتونکته ▪

▪ حکایت ماست ▪

به دنبال کار

آدم ساده‌ای بودم که اول جنگ از شهر و دیارم آواره شدم. با زن و بچه‌ام آمدم تهران. هیچ کاری نداشتم. یک روز، لنگ برداشتم و ایستادم سر یک چهارراه که شیشه ماشین‌ها را پاک کنم و یک پولی گیرم بیاید. درآمدم بد نبود، چون راننده‌ها به من پول می‌دادند که شیشه ماشینشان را پاک نکنم! اما این کار زیاد طول نکشید. یک روز مردی که لنگی را برروی دوشش انداخته بود آمد و گفت: «اینجا محل کار من است، تو برو یک جای دیگر.» پرسیدم: «پس تا حالا کجا بودی؟» گفت: «چند روز مرخصی استحقاقی داشتم»!
برگرفته از کتاب «شاید باور نکنید» گردآوری عمران صلاحی

▪ بریده ها ▪

افکار ما، گرایش‌های ما را می‌سازد

اگر بر ما آب سرد بپاشند، بدن ما هیچ راهی ندارد جز این که بلرزد، ولی عصبانیت به مقوله حرکت‌های جسمانی غیرارادی تعلق ندارد. عصبانیت تنها ممکن است با تکیه بر برخی عقاید عقلانی ظهور کند، اگر ما فقط بتوانیم عقاید را تغییر دهیم، گرایش خود به عصبانیت را تغییر خواهیم داد.
برگرفته از کتاب «تسلی‌بخشی‌های فلسفه» اثر آلن دوباتن

▪ یادش بخیر ▪

▪ اندکی صبر ▪

تنهایی...

آن‌ها که تنها زندگی نکرده‌اند
نمی‌فهمند
که سکوت
چگونه آدم را می‌ترساند!
چگونه آدم با خودش حرف می‌زند!
نمی‌فهمند که آدم
چگونه به سمت آینه‌ها می‌دود...
در آرزوی دیدنِ یک همدم

اورهان ولی

دنیا به روایت تصویر

مانور سقوط هواپیما در شیراز! عکس از خبرگزاری میزان

بابانوئل چینی، هدیه‌های کریسمس را برای گردشگران می‌اندازد!
عکس از خبرگزاری رویترز

آزمایش روبات ۴ متری «متد-۲» در آزمایشگاهی در «گانپو»ی کره جنوبی، عکس از خبرگزاری فرانسه

▪ دور دنیا ▪

بیشترین تعداد شرکت‌کننده در جشن تولد!

آدیتی سنترال/ آقای «ایبارا» پدر «روبی» دختر مکزیکی ویدئویی را در فیس بوکش منتشر کرد و از همه مردم خواست در تولد دخترش شرکت کنند اما منظور او همه مردم دهکده کوچکشان در مکزیک بود، نه همه مردم مکزیک و آمریکا! اما این ویدئو دست به دست بین مردم گشت و خطوط هوایی مکزیک هم در روز تولد برای شرکت کنندگان، ۳۰ درصد تخفیف گذاشتند و یک جمعیت ۳۰ هزار نفری برای شرکت در تولد این دختر هجوم آوردند! یکی از شرکت کنندگان هم به‌خاطر شلوغی جاده، در سانحه‌ای درگذشت!

بلندترین درخت کریسمس دنیا!

یاهونیوز/ یک خانواده سریلانکایی، عکسی از درخت مصنوعی کریسمس‌شان در فضای مجازی منتشر کردند و ادعا می‌کنند که این بزرگ‌ترین درخت مصنوعی کریسمس دنیاست! این درخت ۷۳ متری با بیش از یک میلیون مخروط رنگی تزئین شده است و ۶۰۰ هزار لامپ LED از آن آویزان شده است. البته کارشناسان رکوردهای گینس هنوز این رکورد را تایید نکرده‌اند ولی جالب است بدانید رکورد قبلی مربوط به یک درخت ۵۵ متری است!

بزرگ‌ترین مجموعه گوی‌های برفی

گینس ورلد رکورد/ «وندی سوان» زن ۲۹ ساله دورگه چینی-کانادایی از بزرگ‌ترین مجموعه گوی‌های برفی‌اش در کریسمس پرده‌برداری کرد و توانست یک رکورد جدید در گینس ثبت کند. او که علاقه زیادی به این گوی‌های برفی دارد توانسته است با کمک همسرش یک مجموعه بی‌نظیر از ۴۰۵۹ گوی برفی زیبا را جمع‌آوری کند و صاحب یک رکورد در کتاب رکوردهای گینس شود.

پستاندار عظیم‌آبی روی کاپوت ماشین!

تلگراف/ تصورش را بکنید که یک روز صبح که برای رسیدن به محل کارتان عجله دارید، با حیوانی ۳۰۰ کیلویی مواجه شوید که روی کاپوت ماشین شما خوابش برده است و بیدار کردن و تکان دادن آن هم کار راحتی نیست! این دقیقا اتفاقی بود که یک روز صبح برای آقای «لیو سیل» در استرالیا رخ داد! هرچند خانه او فاصله قابل توجهی با دریا دارد اما این پستاندار آبی راهش را به خشکی باز کرده و خودش را به ماشین او رسانده بود و روی کاپوت آن خوابش برده بود!

▪ کاریکلماتور ▪

* ساعتی که چرت می‌زند عقب می‌ماند.
* آینه شکسته تصویرم را مجروح کرد.
* آدم خودساخته، نردبان خودش است.
* خورشید سایه‌ام را زمین زد.
* آینه تصویرم را پس نداد.

پرویز شاپور

▪ شوتبالیست ها ▪

حرف های نیم فصلی

صمد مرفاوی:
من از بازیکنانم بیم! دارم
یکی در قهرمانی نخبه و من

منصوریان:
گهی با تجربه، گاهی جوانیم
پریده گرچه لیگ و جام حذفی

علی دایی:
همیشه بهترینیم توی بازی
اگرچه از محالات است اما

مدیران تراکتورسازی:
رضایت‌نامه‌ها را ناز گیریم!
رئال و بارسلون یا این که چلسی

مجید جلالی:
همیشه مشکلاتم را کنم حل
ندارم نفت! و فولاد! و تراکتور!

کی‌روش:
میان تاج و یارانش اسیرم
گذارم باز اردوهای تازه

علیفر:
همیشه گفته‌ام در کوی و برزن:
اگر «کونته» روَد از تیم چلسی

از اینجا نیز قصد جیم دارم
تخصص در سقوطِ تیم دارم!

رقیب تیم‌های اصفهانیم
ولی در آسیا ما قهرمانیم!

زند گل بهر ما هر هفته «قاضی»
کمی از داوری هستیم راضی!

برای قهرمانی فاز گیریم
از این‌ها می‌شود سرباز گیریم؟

بدون حیله و جادو و جمبل
و با پیکان! بیایم صدرِ جدول

نبود پولِ کافی! کرده پیرم
که تا حالِ برانکو را بگیرم

دفاعِ خطّی اشکال است، قطعاً
یقیناً جانشینش می‌شوم من!

امیرحسین خوش‌حال

▪ کله چغوکی ▪

آق کمال و زندگی اشتراکی

اسم زندگی مشترک روشه، یعنی همه‌چیز توش مشترکه. غم و شادی و زحمت و لذت و حتی وسایل هم باید بین زن و شوهر مشترک بِشه. البته به جز مسواک و ای‌جور وسایل شخصی! خب‌ای فنون رَم زن و شوهر باید قبل از رفتن به خانه‌شا یاد دِشته بِشن. مثلا از وقتی یادُم میه، آقام تو خانه بِری ماها ممنوع کرده بود که بِگم «فلان چیزُم» باید مُگفتم «فلان چیزمان» یعنی هرچی داشتم مال همه‌مان بود. از زیرپوش‌های مو که خودش هی مُپوشید و وقتی اندازه کیسه آرد مُشد بهم برمِگردوند، تا ماشین که مُگفت «ماشین‌مان» ولی داغش به دلُم ماند که یَک بار تنهایی پشتش بیشینُم! همو سال‌های اول که موبایل آمده بود تو بازار، اِنقد که به جونش غُر زدُم رفت یَک دانه برام اسم نوشت. بعد از چند ماه که آمد، مَگه مِذاشت ای‌ره با خودُم راه‌بِبرُم؟ حتی وقتی به مسود مِخواستُم شماره‌مِه بُدُم و گفتُم: «شماره موبایلمِه یادداشت کن.» آقام از اوبر صداشه بلند کرد که «شماره موبایل‌مانِه!» بِری همی مویَم یاد گیریفتُم که همه‌چیز تو زندگی مال همه اعضای خانواده‌یِه.
مثلا همه رمزهای موره کاملیاخانم مِدنه، از رمز عابربانک تا رمز گوشی. کل دل و روده گوشی رَم بیریزه بیرون، مو عین خیالُم نیست. پَریروز داشتُم شیلنگ آبگرمکن ره عوض مِکردُم و عیال هم داشت تکرار سریال «فرار از زندان» ره از کانال نمایش مِدید که برام پیام آمد. گفتُم: «بی‌زحمت ببینین چی بود، شاید کسی کار واجبی دِشته بِشه.» صدازد که: «چیز مهمی نیست، مسعود باز کلیپ دابسمش جدید فرستاده!» هم خفه نره‌ای مسعود که نصف شارژ اینترنت ماره حروم‌ای جفنگیات مُکنه.
چند لحظه گذشت که یَگهو دیدُم عین مرغ عشق جیغ کشید. جوری ترسیدُم که انبر کِلاغی افتاد تو سینک و یَگ استکان هم توخ‌توخ رفت. بدو آمدُم تو هال که گفت: «این چیه تو گوشیت؟» اِنا حالا خوب رفت! هم لعنت به‌ای مسود که لابد واز از او جوک‌ها فِرستاده. گفت: «مُردم از ترس با این کلیپ دوربین مخفیه!» یَگ نفس راحت کیشیدُم و گفتُم: «مو که گفته بودُم‌ای ره نبین!» گفت: «خب یادم رفته بود! چرا دوباره یادآوری نکردی؟ اصلا چرا از رو گوشیت پاکش نکردی؟» هنوز چشمام چارتا بود که گفت: «صدای‌چی بود شیکست؟ فردا یه دست می‌خری می‌یاری!» ایَم ازای!

آق کمال

▪ باس ماس ▪

▪ ما و شما ▪

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* خبرهای عادی توی «دور دنیا» نذارین و به جاش خبرهای جالب‌تر بذارین. مصطفوی
* اگه ممکنه توی «زندگی سلام» یه بخش معرفی کتاب هم بذارید. سیدصادق
* مسابقه «این کیه؟» خیلی آسونه، یه کم سخت‌ترش کنین. حسینی، سبزوار
* مطالب کانال «زندگی سلام» جامع و به روز هستش، مطالب مشاوره هم عالیه. محمد
* چند وقته از «مینی‌پرونده» خبری نیست. چرا؟ بهرام‌پور
* شب پایان زندگی نیست، از ورای هر شب، دوباره خورشید طلوع می‌کند و بشارت صبحی دیگر می‌دهد. این یعنی امید هرگز نمی‌میرد. مسعود مجنون‌پور، مشهد

مسابقه شماره ۱۲۵

1sargarmi.ir

اسپریت خفن

طراح: محمدمهدی رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!

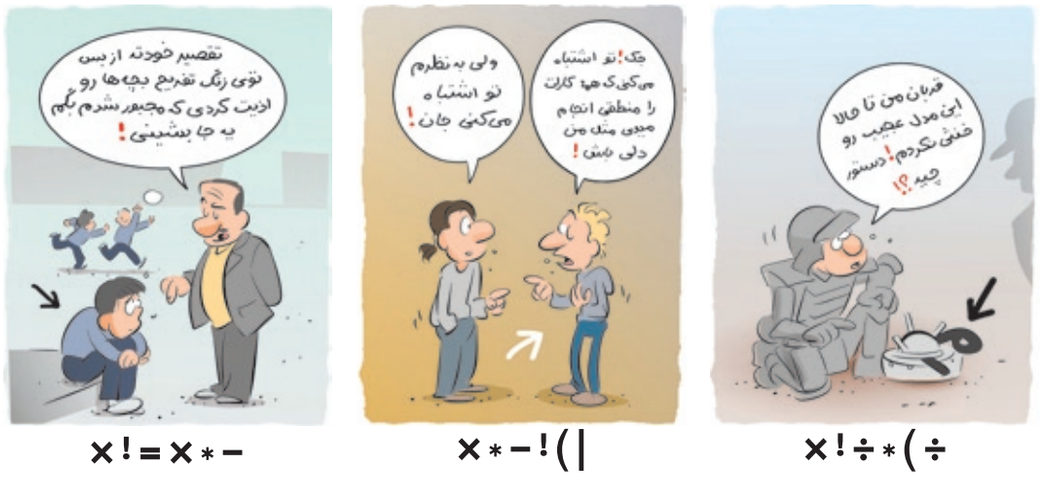

۱۵۰ پیامک در ۱۲۴ مسابقه!

سلام. اینم چند پیامک از شما. فعلا!
* ۰۹۳۹۷...۴۶۵: مسابقه ۱۲۴. خداییش یک کم سخت بود اون من بودم که تونستم جواب بدم.
– البته که شما تیزهوش هستین. ولی هوش بقیه رو نبرین زیر سوال.
* ۰۹۱۵۹...۱۹۱: خفن جان سلام! بین جوابهایی که صبح به دستتون میرسه با جواب‌هایی که شب بدستتون میرسه تفاوت میزارین یا نه؟ آخه وضعیت شغلی ما طوریه که تازه از ۶ بعدازظهر به بعد بهت دسترسی پیدا می‌کنیم . ضمنا ممنون از این سرگرمی جالب و یک سوال: در بررسی پیامک‌ها برای شرکت کننده‌ای نوشته بودی تعداد پیامک رسیده ۱۵۰ عدد! در حالی که ۱۲۴ مسابقه تا الان داشتی!! مگر قبلا این مسابقه بوده؟
– نه عزیز. تا ۲۳ وقت دارین. در معرفی «بزرگان خفن استریپ» فعلا تعداد کل پیامک ها رو بررسی می کنیم. بعدا صحتش بررسی میشه نگران نباشین.